

شیوه همسری در خانواده نمونه

نویسنده : آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

صلى الله عليك يا فاطمة الزهرا سيدة النساء العالمين  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهَدِّينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى  
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ  
وَأَوْلِيَاءُ نِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاءُ نِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ  
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ  
وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ  
وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ  
وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهَدِّينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى  
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ  
وَأَوْلِيَا نِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَا نِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ  
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ النَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ  
وَأَنَّ وَعَدَ اللَّهُ فِيكَ حَقًّا  
وَأَنَّ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُتَارَعُ  
وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ

## پیشگفتار (برای اولین چاپ این اثر)

از سوی «انجمن محبان فاطمه - مشهد»

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستایش ذات مقدّسی را سزااست که صفات جلال و جمالش را حدّی نباشد. نه انکارش می توان نمود و نه توصیفش می توان کرد. فقط او بی همتاست و کفوی برایش نیست، و برای هر پدیده ای جفتی آفریده است. شکر و سپاس بر او زینده است که نعمتهایش از مرز شمارش بیرون و به عصیان بندگان، رحمتش را دریغ نمی نماید.

سلام و صلوات بر سید مرسلین حضرت خاتم النبیین ﷺ که بشر را از ضلالت کفر رهائی بخشیده و زنجیر اسارت تعصّبهای کور و کرکننده را از دست و پایش برداشته و او را به منزل سعادت و کمال رهنمون گشت.

درود و تحیات بی حد بر سید اولیا و امام المتّقین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و بر سیده النساء همسر والامقام و ارجمندش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و فرزندان معصومش خاصه حضرت بقیّة الله حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام که با تلاش و صبر و قیام و قعودشان مشعل دین را برای همیشه پر فروغ نگهداشته و پویندگان حقیقت را از چشمه آب حیات سیراب ساختند.

ظلمت ظلمها و حق کشیها، افق عالم را تاریک و جهان را به ظلمتکده ای تبدیل کرده بود و آرامش و آسایش از زندگی انسانها بکلی رخت بر بسته بود و شاید در هیچ کجای زمین عدل و انصاف حاکم نبود. شعار مردم، بی عدالتی؛ و افتخار و سرافرازی، در تعدّی ها و تجاوزها خلاصه می شد و آن که بیشترین بار مظلومیّت را در این میان به دوش می کشید «زن» بود؛ نه تنها در شبه جزیره عربستان که در تمام جهان از حقوقش محروم و بلکه گویا انسان به

حساب نمی آمد. البته عرب گوی سبقت را در این سیر قهقرائی از دیگر ملل ربوده و به آنجا سقوط کرده بودند که اگر شترانشان بره ماده می زائیدند شادمان شده و لکن همسرانشان اگر دختر می آوردند چنان ابرو درهم کشیده و غضب نموده و با صورتی سیاه و سر در گریبان از شدت شرمندگی از میان قوم و قبیله خود می گریختند و مخفی می گشتند (يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ) مثل کسی که جنایتی بزرگ و عملی شنیع مرتکب شده و عاقبت هم این فرزند بی گناه را از دامان مادر دردمند و افسرده ربوده و با کمال قساوت زنده به گور می کردند و سپس مانند کسی که فتحی بزرگ نموده به محیط تاریک زندگی برمی گشتند.

خدا می داند که چقدر دختران زنده زیر خاک دفن شدند! به اجمال می دانیم پدرانی یافت می شدند که به اقرار خود تا هفت دختر خود را به این سرنوشت شوم گرفتار ساخته و بر این باور مباهات می کردند.

در یک چنین روزگار تیره که زندگی در آن تلخ تر از زهر بود، خداوند متعال بر بشر منت گذارده و حضرت ختمی مرتبت ﷺ را مبعوث به رسالت کرد. یکی از اهداف آن سید و سرور بشر، جلوگیری از این ظلم بزرگ و احیاء ارزش زن بود. او با شعار ملکوتی «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ» به میدان مبارزه با این سنت غلط آمد و چندان مجاهده نمود تا این خوی زشت را از ضمیر آنان دور ساخت. و دانستند که دختر هم از فرزندان ایشان می باشد.

حضرتش دارای سه پسر شد که هر سه از دنیا رفتند. و تنها دخترش «حضرت فاطمه زهرا ﷺ» باقی ماند. در تربیت و پرورش او کوشید و زهرای مرضیه ﷺ در دامن پدر به مقامی رسید که او را «انسیه حوراء» بلکه «سیده النساء» و عاقبت «امّ ایها» صدا می زد. خواست به جهانیان اعلام نماید که این

بانوی با عظمت با آن که یک زن است ولی در تمامی روی زمین همتراز و همراز و همسری برای او جز علی بن ابی طالب علیه السلام پیدا نشود که اگر او نبود هیچ مردی قابلیت نداشت که در کنار فاطمه علیها السلام قرار بگیرد.

باری اگر زنان بخواهند جایگاه ویژه خود را بیابند و ملعبه دست هوسرانان شهوت پرست و بازیچه دنیاپرستان کثیف قرار نگیرند، باید زندگی سراسرافتخار حضرت صدیقه کبری علیها السلام را الگوی خود قرار دهند - که راه سعادت همین است و بس.

و لهذا انجمن محبان فاطمه علیها السلام - که به توفیق الهی در طی سالهای گذشته توانسته است شب میلاد فرخنده حضرتش را با انعقاد محفلی با شکوه گرمی بدارد - سعی وافر و عزمی راسخ داشته که همه ساله دسته گلی از بوستان فضائل و مناقب آن حضرت به صورت یک اثر فرهنگی تقدیم میهمانان عزیز خود بدارد بدان امید که شاید با آشنائی گوشه هائی از زندگی آموزنده حضرتش، پویندگان راه سعادت ره نجات را یافته، و با پیروی از فرمایشات و اعمال آن بانوی بزرگ دو عالم و با شخصیت ترین زنان جهان، دردهای جامعه درمان، و زندگی به بهشتی برین مبدل گردد. «آمین یا رب العالمین»

بار سنگین این آثار ذیقیمت و ارزنده را حضرت آیه الله مکارم که خداوند جزائی عظیم به ایشان عنایت فرماید و قلم شیوای ایشان را همیشه در خدمت اسلام و مسلمین و نشر آثار حیاتبخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باقی دارد، به دوش می کشیده اند، امسال هم استدعای ما را پذیرفته و بخشی شیرین و خواندنی را درباره مراسم حیاتی ازدواج و همسری در خانواده نمونه برای ما مرقوم فرموده اند و خدای را سپاسگذاریم که توفیق انتشارش را هم به ما عنایت فرموده، باشد که با مطالعه و عمل به آن بخشی از گره های کور

موجود در مسأله ازدواج باز شده و این مشکل که بر سر راه بسیاری از خانواده ها، پدران و مادران، و جوانان به صورت معمائی حل نشدنی جلوه نموده، حل گردد. «أنه ولیّ التّوفیق و حسبنا الله و نعم الوکیل»

انجمن محبّان فاطمه - مشهد

تاریخ : 68/9/10

## آنچه در این کتاب می خوانید

از مشکلات طاقت فرسایی که جامعه امروز ما با آن روبه رو است، مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان است که روزبه روز به صورت پیچیده تر و پر دردسرتی درمی آید.

در حالی که راه حلّ این مشکل بزرگ در اسلام به روشنی ارائه شده است، و ما به منزله کسانی هستیم که در کنار سرچشمه زلال، تشنه و از تشنگی رنج می بریم.

آنچه در این کتاب می خوانید، اشاره هائی به انواع مشکلات این مسأله و سپس شرح گوشه های جالب و ظریف و آموزنده ای از زندگی پرافتخار علی (ع) و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان رهنمونی برای حلّ آنها است.

به این ترتیب هم به «دردها» اشاره شده، هم به «طرق درمان».



## یک مشکل بزرگ

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده ترین مسائل حادّ اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و از این موضوع ناله نکند و رنج نبرد.

انبوهی از مشکلات طاقت فرسا این مسأله مهم و در عین حال ساده زندگی را در کام خود فرو برده، و به صورت هیولائی وحشتناک درآورده است. دختران زیادی در خانه ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اصولی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و در برابر موانع غیرقابل عبوری مشاهده می کنند.

از آن سو نیز پسران زیادی سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و هنوز در خم یک کوچه، در آرزوی تشکیل خانواده اند، ولی آداب و رسوم زشت اجتماعی، و پیرایه های غلطی که به این امر حیاتی بسته اند آنها را از رسیدن به مقصود باز می دارد.

و عجب اینکه این مسأله در خانواده های مرفّه و فقیر هر دو از امور پیچیده است! چرا که هرکدام کوهی از توقّهای غلط را بر دوش دارند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می زنند.

و اسفبارتر اینکه چون پایه ها از آغاز کج گذارده می شود، بنای بسیاری از خانواده ها تا گنبد دوّار کج می رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها است.

این در حالی است که می دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده های کوچک» تشکیل می شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان

عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و یرصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و بعکس اگر سست و ناموزون باشد دائماً دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و سرعت از هم فرو می یاشد و متلاشی می شود.

بنابراین، مسأله تشکیل خانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشهای صحیح، از یکسو رابطه مستقیم و نزدیکی با حل مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی دارد.

به همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود.

جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده مخصوصاً به ساختن یک بنا تشبیه شده آنها بنائی محبوب نزد خدا چنان که در حدیثی از رسول خدا ﷺ می خوانیم:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ. (1)

بنائی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امنیّت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می شمرد، در آنجا که می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (2)

یکی از آیات و نشانه های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما

محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه های بسیاری است برای  
کسانی که اندیشه می کنند!

ولی متأسفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می رسند از  
اندیشه در عوامل اصلی مودت و رحمت باز می مانند، و تمام اندیشه ها متوجه  
آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می شود!

## ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلائل عظمت تعلیمات اسلام این است که این مسأله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کثری و ناموزونی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار ننموده، از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار و ارزشهای والای حاکم بر آن را مورد توجه قرار داده، و در برابر «ضد ارزشهایی» که گاه از سوی وسواسان خناس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می شود هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجه داشت رفته، و چنین می گوید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْثَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ الْمَالَ وَالْحَمَالَ. (3)

هنگامی که مردی همسری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی گذارد (و از همه چیز محروم می شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر (ع) چنین آمده است:

شخصی خدمت پیامبر ﷺ آمد و درباره ازدواج (و ارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر ﷺ فرمود:

إِنْ كَحَّ وَ عَلَيْكَ بَدَاتِ الدِّينَ تَرَبَّتْ يَدَاكَ. (4)

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که روزی تو را گسترده می کند!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده ای آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال آنها از عیوبشان بکلی چشم می پوشند تعبیر به سبزه ها (و گلھائی) که بر «مزبله» می روید فرموده است، چنان که در حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قَامَ خَطِيْبًا» که در روایت آمده دلیل بر اهمّیت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله ها می روید، پرهیز کنید!

کسی عرض کرد:

ای رسول خدا!

وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟

گیاهی که به مزبله ها می روید چیست؟

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

الْمَرْءَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ

زنِ زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته! <sup>(5)</sup>

این برداشت از ارزشهای حاکم بر انتخاب همسر کجا، و آنچه در میان گروهی رائج است که از مسأله مال و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می اندیشند، یعنی انتظار مرگ آنها را می کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی به هنگام ازدواج مطرح می کنند و یک جوان با ایمان و پاکدامن را به حکم آن که پدرش مثلاً

یک کارگر ساده یا کشاورز است، لایق همسری دختر خود نمی دانند، و حتی مسائل نژادی و قبیله‌گی را مقدم بر این فضائل می‌شمرند، می‌گویند:

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج کُفُو یکدیگرند! (6)  
این در حالی است که حتی بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در بخش عظیمی از جهان باز گروهی از افراد بظاهر مسلمان ازدواج عرب را با غیرعرب نکوهش می‌کردند و ازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می‌دانستند!

لذا پیغمبر اکرم ﷺ در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ (7)

مؤمنان کفو و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی‌تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد).

ولی مگر می‌توان اینگونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتی در میان قشرهای ظاهراً متدین پیاده کرده، و دهها قیود موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قائلند از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجه اینکه در احادیث متعددی این مضمون از پیغمبر اکرم ﷺ یا

ائمّه هدی علیهم السلام به چشم می‌خورد که می‌فرمایند:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ (8)

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می‌پسندید به خواستگاری آید او را به همسری دخترتان بپذیرید، اگر چنین نکنید فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می‌سازد، و شاید بسیاری از مفاسد عظیم که هم امروز بر جوامع بشری حاکم است مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این احادیث نسبت به آن هشدار داده اند.

اسلام گاه مسائل مهریه و جهیزیه و هزینه های ازدواج را بطور کلی مورد توجه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملاً آشنا یعنی سعادت و تیره روزی مطالب لازم را در این زمینه بازگو می‌کند.

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم:

أَمَّا الْمَرْءَةُ فُشُومُهَا غِلَاءٌ مَهْرُهَا (9)

اما شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

إِنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْءَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا (10)

یکی از برکات همسر کمی مهر او است، و از شومی او زیادی مهر او می‌باشد!

این مسأله همچنان ادامه می‌یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به عنوان دایه انتخاب می‌شود که روحیات و اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می‌کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می‌رسد که هر کدام از اینها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می‌شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسائل

تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتی از مسائل ظاهراً کوچک غفلت نشده است.

بی بند و باری های ما در مسائل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقت نظر اسلام در این مسائل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می اندازد که «ببین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولاً باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت بار و غم انگیز شده، چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد و نسیه، و هزینه های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجملات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیّه که چیزی جز چشم و هم چشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می شود و کسان دو طرف گاه تلخ ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدمات آن می گذرانند!

چه آبروهائی که بر باد نمی رود، چه کدورتها و دشمنی هائی که به وجود نمی آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده ها افتاده است، رخ نمی دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت بار کند!



ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می‌کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام ﷺ و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی (ع) با بانوی اسلام، فاطمه زهرا (ع) تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

## ویژگیهای این خانواده نمونه

این خانواده نمونه با داشتن مشخصات زیر از هر جهت می تواند تابلو زنده ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد:

1. از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام ﷺ می رسد:

فاطمه زهرا علیها السلام دختر دلبند او، و تنها کسی است که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی (علیه السلام) پسر عم و یار دیرین پیامبر صلی الله علیه و آله از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقائق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

2. زهرا علیها السلام در اسلام تولد یافت و علی (علیه السلام) دهساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنی اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلی داشت.

نظر این است با طرح این مسأله همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چه هستیم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده اند، و نماز و روزه و حجی بی محتوی، و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبّر، و

دعائی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می دهند، بی آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین از مسلمانان سطحی باشد.

همان ها که دم از حجّ و نماز و روزه می زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریه های میلیونی پافشاری می کنند، و حتی برای محکم کاری و پیش بینی نرخ تورّم در آینده مبلغ مهریه را از پول رائج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات چنان خونشان به جوش می آید و رگهای گردنشان ستبر می شود که گوئی تمام موجودیّت آنها به خطر افتاده! آنها دائماً از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکّل بر ذات مقدّس او را در زندگی از دست می دهند.

فوراً سؤال از خانه ملکی داماد می کنند در حالی که بسیاری از جوانان حقوق بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجملات و زینت آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیه یک مشّت و وسائل تجملی بنام جهیزیه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک بار مورد نیاز قرار نمی گیرد، دوخته اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و ان شاء الله نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین (علیه السلام) می افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لِعِقِّ عَلَى السِّنْتِهِمْ

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می زند!

یا در حدیث دیگری از رسول الله ﷺ می خوانیم که درباره گروهی فرمود:

آنها قرآن را می خوانند در حالی که (لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ)

از شانه های آنها بالاتر نمی رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی رسد. <sup>(11)</sup>

ولی باید توجه داشت که این گونه برخورد با حقائق قرآن و تعلیمات اسلام

عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به دنبال خواهد داشت، چنان که در

حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ می خوانیم:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا، أَوْ آثَرَ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا، اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ

سَخَطَ اللَّهِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن) مشروب حرامی را

بخورد یا محبت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدم دارد مستوجب خشم الهی

خواهد بود، مگر این که توبه کند! <sup>(12)</sup>

به هر حال، هدف این است که بخواست خدا، این خانواده نمونه در اسلام را

به عنوان بهترین سرمشق در پایه گذاری زندگی خانوادگی مورد توجه قرار

دهیم، و خدا را به حق آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنتهای حسنه ای

که آنها برای ما به یادگار گذارده اند، عنایت فرماید «آمین یا رب العالمین».

## 1. خواستگاری عجیب

نخستین گام در تشکیل خانواده، از مسأله خواستگاری شروع می شود. در مناطقی که ما زندگی می کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار می شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می روند، و حتی سعی می کنند با تعهد جهیزیه های سنگین دل آنها را به دست آورند!

در بسیاری از کشورهای غربی - و نیز در بعضی از مناطق غرب زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه ها می روند، دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصاتی چنین و چنان بوده باشد اعلام می دارند.

و عجیب نیست که مشخصاتی که طرفین عنوان می کنند، مجموعه ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری و مادی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره مندی از زیبایی و جمال (البته به تشخیص خودشان) و مسائل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا، چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این گونه جوامع حاکم نیست بلکه گاهی آنها را ضد ارزش یا جزء خرافات می شمرند و به باد سخریه می گیرند.

اخیراً نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران و پسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعهد و آگاه بر آن

نظارت دارند پرونده های محرمانه ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیات معنوی و مادی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلی ثبت می کنند، و طبعاً هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البته ضوابطی بر این گونه مراکز حاکم است که جلو سوء استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می گیرد، و اگر این کار به طرز صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل خواهد کرد ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نواقص و عیوب نیست.

به هر حال، نمی توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادی، و گاه حتی بر محور امور موهوم و تخیلی و دروغین و کاذب دور می زند.

کمتر کسی را می بینید که به هنگام خواستگاری دختر به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیه احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبایی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد غالباً مسأله شغل پدرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله های نقلیه گرانقیمت و پر زرق و برق مورد توجه قرار می گیرد.

این روزها پایه های تحصیلی نیز مطرح است، اما غالباً منظور پایه های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال و کار مطرح می گردد نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حال نمی توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که بیش از هر چیز به عفت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می اندیشند، و ارزش او را با این مسائل تعیین می کنند، ولی نمی توان تعیین کرد که چند درصد اجتماع مسلمانان امروز اینچنین فکر می کنند!

حال به سراغ خانواده نمونه می رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخص می کنند.

در روایات متعددی این معنی را از قول امام صادق (ع) یا دیگر معصومین (ع) می خوانیم:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لِفَاطِمَةَ (ع) مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ (13)

اگر خداوند امیرمؤمنان علی (ع) را نیافریده بود، فاطمه (ع) همتائی برای همسری اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی همتائی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادی است، بلکه صرفاً ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و قرب به پروردگار و مقامات فوق العاده و والای انسانی است.

همین مطلب نیز از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد! خداوند جلّ جلاله می فرماید:  
لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ (14)

اگر من علی را نمی آفریدم کفو و همتائی برای همسری دخترت فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم ﷺ می فرماید:

گروهی از شخصیت‌های قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه عَلَيْهَا ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی!

فرمود:

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد! سپس جمله فوق را بیان فرمود.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای خواستگاری فاطمه عَلَيْهَا رفتند، و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به سراغ حضرتش آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه های این کار نداشت!

هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه عَلَيْهَا رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می شود این گریه و ناراحتی به خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را به خاطر همسری با مرد تهی دستی همچون علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سرزنش کردند و زخم زبان زدند)، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از علت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می سازد، فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا وَ أَوْلَهُمْ سِلْمًا<sup>(15)</sup>

به خدا سوگند کسی را به همسری تو درآوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده تری مطرح شده است. در این حدیث می خوانیم فاطمه عَلَيْهَا هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور



شد. پیامبر ﷺ در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

يَا فَاطِمَةُ، لِعَلِيٍّ ثَمَانُ خِصَالٍ: إِيمَانُهُ بِاللَّهِ وَبِرِسُولِهِ، وَعِلْمُهُ، وَحِكْمَتُهُ وَزَوْجَتُهُ وَسِبْطَاهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَأَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَقَضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ. (16)

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب الله!

## عقدی که در آسمانها بسته شد!

مسئلاً ازدواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا و بلند بنا می شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت، و دخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود، و ملائکه مقربین را گواه بر آن گرفت، و او را وصی و جانشین من قرار داد. <sup>(17)</sup>

## دسته های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته های گل می برند.

جالب اینکه، در حدیثی می خوانیم:

جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر ﷺ آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر ﷺ تقدیم داشت پیامبر ﷺ آن را گرفت و بوئید و فرمود:  
این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد:

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان دستور داده شده، بهشت را بیارایند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره هائی از قرآن مجید را بخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علی بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من فاطمه دختر محمد را به همسری علی بن ابی طالب درآوردم... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک گوئید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم... (18)

و در حدیث دیگری می خوانیم که امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از پیامبر ﷺ چنین نقل فرمود:

ما زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِتَزْوِجِهَا (19)

من فاطمه را به همسری علی (علیه السلام) درنیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

## هاله حیا!

چنانکه گفتیم امروز کار به جایی رسیده که در کشورهای «غربی» و «غرب زده» پسران و دختران برای یافتن همسر آینده خود در جرائد به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می کنند، مشخصات اعضای بدن خود و جزئیات آن را شرح می دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد پوشش زیبای حیاء است.

در حالی که این مسأله که هنوز بر خانواده های مذهبی حاکم است زن را در هاله زیبایی از قداست و پاکی قرار می دهد، و به گوهر گرانبهائی تبدیل می کند که دارای ارزش فوق العاده ای است، در حالی که حذف مسأله حیا زن را به ابتذال می کشاند و از ارزش و بهای او می کاهد.

هنوز در میان قشر دیندار، معمول است که در مجالس عقد به هنگام گرفتن وکالت از دختر برای اجرای صیغه ازدواج، شخص وکیل باید چند مرتبه پیشنهاد وکالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشه های حاضران منتظر شنیدن آن است، و حیاء مانع می شود که عروس بسرعت این کلمه را بگوید، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آنهمه حیاء در فضای مجلس می پیچد، غریو هلهله و شادی از حاضران برمی خیزد.

این حیاء و شرم، به زن ارزش می بخشد. حال آن را بازدواجهای وقیح و روزنامه ای مقایسه کنید که چقدر مبتذل و مسخره است!

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت معنی دار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که قلباً به این گونه پیشنهادها هرگز راضی نیست.

ولی هنگامی که علی (علیه السلام) برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود همینجا باش تا من نزد تو برگردم. پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد:

لَيْتَكَ لَيْتَكَ.

رسول الله! مطلبتان را بفرمائید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تو علی بن ابی طالب را بخوبی می شناسی، از نظر خویشاوندی اش با ما، و فضائل و سابقه اسلامش، و من از پروردگارم خواسته ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده بود، نظر تو چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ اثر نارضائی نشان نداد،

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ سَكُوتُهَا إِقْرَارُهَا (20)

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او

است!

## 2. مهریه

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند اسلام اهمیت کمی برای مهریه قائل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دائم کنند، و سخنی از مهریه به میان نیاورند هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود، ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریه ای همانند زنان امثال او قائل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، مانند بسیاری از مسائل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است، بعضی چنان به سراغ مهریه های سنگین می‌روند و خط و نشان برای آن می‌کشند که گوئی تمام افتخار و ارزش زن در آن خلاصه می‌شود، کمی مهریه را دلیل بر بی‌شخصیتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباحات و نشانه عظمت او می‌پندارند.

بسیاری از مردم چنان برای مهریه چانه می‌زنند که گوئی می‌خواهند خانه و ملکی را خرید و فروش کنند، نه تنها به مهریه های نسیه و در ذمه بلکه مهریه های نقدی از نوع «پول رایج» قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند و ارزش آن کاسته می‌شود.

باید حتماً «سکه های طلا» و «املاک شش‌دانگ» و مانند آن باشد.

در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپائیها که مهریه ندارند) بطور کلی با مهریه مخالفند، و آن را بی‌معنی می‌دانند؛ درحالی که مهریه فلسفه هائی دارد که این گروه از آن غافل و بیخبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

1. مهریه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه است از سوی شوهر که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشوئی است.

2. همه جا معمول است که زن با خود جهیزیّه ای به خانه شوهر می برد و غالباً در تهیّه این جهیزیّه گرفتار مشکلات می شوند، «مهریّه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیّه جهیزیّه و نشانه ای است از وفاداری و قبول مسؤلیّت نسبت به زندگی آینده.

3. مهریّه می تواند تا حدّی خسارت اقتصادی زن را در صورت جدائی جبران کند، زیرا می دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می گیرند شانس کمتری برای ازدواج دارند تا مردان آنها.

4. مهریّه غیر نقدی عامل بازدارنده ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدّس اسلام به هیچ وجه حدّ و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصی قائل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریّه های فراوان مادّی را شامل می شود، چرا که شرایط مختلفی دارند و اشخاص متفاوتند.

در عین حال توصیه مؤکّد برای سبک کردن مهریّه نموده است چنانکه علی (علیه السلام) می فرماید:

لَا تُعَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ فَتَكُونُ عَدَاوَةً (21)

مهریّه های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه توزی می شود.

مرحوم صدوق در روایت مرسله ای از معصومین (علیهم السلام) چنین نقل می کند:

مِنْ بَرَکَةِ الْمَرَأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُومِهَا کَثْرَةُ مَهْرِهَا (22)

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم و نامیمونی او، فزونی مهر او است.

زیادی مهر در عصر ما عمدتاً از سه عامل سرچشمه می گیرد:



1. گاه از چشم و همچشمی ها و مسابقه در این گونه مسائل است که افرادی از این طریق می خواهند به پندار خویش شخصیت والاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.
  2. گاه از غلبه روح مادّیگری و ارزشهای مادّی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهر فزونتر در کوتاه مدّت یا درازمدّت درآمد بیشتری را همراه دارد آن را ترجیح می دهند.
  3. و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده های آنها سرچشمه می گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می خواهند این مهریه سنگین مانعی بر سر راه جدائی گردد، و یا در فرض جدائی کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.
- مسئلاً اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و همچشمی ها و رقابتهای در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این گونه مهرهای کمرشکن بروند.

## مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و مهریه اسلامی را از غیر اسلامی بشناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه های جهیزیّه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی (علیه السلام) برای جنگ خریده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی (علیه السلام) می گوید زره را فروختم و پول آن را در دامان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد و مشتی از آن را گرفت و به بلال داد فرمود:  
با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد و فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاث البیت بخرد. <sup>(23)</sup>

در حدیث دیگری آمده است که صدق و مهریه فاطمه علیها السلام زرهی از آهن بود... <sup>(24)</sup>

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به هنگام تزویج با علی (علیه السلام) به چهارصد و هشتاد درهم مهر نمود.

و در حدیثی پانصد درهم آمده است. <sup>(25)</sup>

در حدیث دیگری آمده هنگامی که سخن از کمی این مهریه به میان آمد رسول الله صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود:

من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است!  
(وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمْسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ) (26)

این مهریه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ از خود نشان داد، حتی در حدیثی که در «مصباح الانوار» آمده است می خوانیم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا (27)

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولاً کسان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حساسند، همچنین کسان عروس نسبت به ثروت داماد، و لذا غالباً به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضائل اخلاقی طرفین، جستجو از ثروت‌های موجود یا بالقوه یکدیگر می کنند، و آن را به رخ هم می کشند.

از پست و مقامهای بستگان عروس و داماد سخن می گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوه دائی اش چه پست و مقامی دارد!

ولی در حدیث می خوانیم هنگامی که علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای خواستگاری فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

چه چیز صدق و مهریه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم (یعنی تمام هستی  
مادّی ام).

فرمود:

اینجا بود که علی (علیه السلام) رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامان  
پیامبر ﷺ ریخت...

### 3. جهیزیّه

#### مسئله بغرنج جهیزیّه

همه کس فلسفه جهیزیّه را درک می کند.

دو همسر که می خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حداقلّ وسائل زندگی داخلی را دارا باشند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایه ناراحتی آنها است، و هم استقلال زوجین را از بین می برد. لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اولیّه زندگی را همراه او به خانه داماد می فرستند، و در مقابل، داماد هزینه های دیگر عروسی، و حتی بخشی از هزینه های جهیزیّه را (از طریق پرداختن مهریه نقدی) پذیرا می گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می شود.

ولی غالب مردم این حقیقت را فراموش می کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای ساده ای شروع کنند و اگر می خواهند توسعه دهند این کار تدریجاً صورت گیرد، مسلماً کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبت و دوستی و صفا و معنویت در چنین زندگی ساده ای موج می زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیّه سنگین دفن نمی شود.

ولی بیا و بین چه رقابتها و چشم هم چشمی ها، چه تجمل پرستیها و چه خرافات و موهومات که در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، همّ و غمّ پدر و مادر دختر تهیّه جهیزیّه است، حتی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیّه سنگین را تهیّه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیه طی یک نمایش مسخره و خنده دار قافله حاملان جهیزیه با یک دنیا سروصدا به راه می افتند، چنان جار و جنجالی برپا می کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیه برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیه کار خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعددی در کنار هم می چینند، و به صورت موزه های تماشائی درمی آورند، و از فامیل و دوستان دعوت می کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیه از نظر کیفیت و کمیّت در سطح پائین باشد عرق شرمساری بر چهره عروس و کسان او می نشیند، و بگومگوها شروع می شود، یکی طنز می گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و بانیش خند می گوید: انشاءالله مبارکشان باشد! دیگری از روی ترحمّ می گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!

و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده ای درباره تهیه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیه آن از بازارها به قیمتهای گزاف، از سفر مکه و زیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اول و منحصر به فرد کشیده اند، می پردازند.

کسی نیست از این افراد سؤال کند اگر جهیزیه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیه شده، نمایش آن بر دیگران چه معنی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی معنی چیست!

مگر ما هر وقت وسائلی برای خانه خود می خریم دیگران را دعوت برای  
تماشا می کنیم!

بدبختانه گاه بگومگوها و گله های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی  
می ماند و آثار شوم و سوء آن در روحیه عروس و داماد، شهّد زندگی را در کام  
آنها شرنگ می سازد.

در حالی که می دانیم فلسفه جهیزیه، آغاز یک زندگی ساده و آبرومند و توأم  
با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه های زشت و نمایش های مسخره و  
شرم آور.

از همه بدتر این که، در چنان مجلسی فوراً مقایسه ها شروع می شود و  
جهیزیه این دختر و آن دختر را با هم می سنجند، این مقایسه معمولاً آتش کینه  
و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می افروزد، و مفسد دیگری را  
به دنبال دارد، چراکه همیشه کار بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می  
شود.

## جهیزیّه دختر گرامی پیامبر ﷺ

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیّه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم ﷺ را مورد توجه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.

در بحثهای گذشته خواندیم که تمام سرمایه مولای متقیان (علیه السلام) برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر ﷺ آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیّه» حضرت زهرا (علیها السلام) تهیه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر 480 یا 500 درهم بود<sup>(1)</sup> و با توجه به این که «درهم» تقریباً نیم مثقال نقره

1. مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» می گوید: ممکن است قیمت واقعی آن همان 30 درهم بوده، ولی بعضی از علاقه مندان آن را به مبلغ افزونتر خریده باشند.

مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسائلی را که به عنوان جهیزیّه تهیه کردند به آسانی می توان محاسبه نمود.

از روایتی استفاده می شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیّه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی آید که تا چه حد وسائل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریت ساده و بی آرایش و دور از هرگونه تشریفات بوده است.

صورت جهیزیّه بانوی اسلام (علیها السلام) و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز ارباب سیر و تواریخ نوشته اند که مطالعه آن انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه رو می سازد، که عظمت و شکوه بی نظیر و خیره کننده اش هر انسان آزاده ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.



- صورت جهیزیه ای که یاران پیامبر ﷺ با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر ﷺ تهیه کردند به این ترتیب بود:
- 1- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود
  - 2- یک سفره چرمی
  - 3- یک متکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود
  - 4- یک عبای خیبری
  - 5- یک مشک آب
  - 6- چند کوزه
  - 7- چند ظرف و کاسه سفالین
  - 8- یک ظرف برای آب و آب کشی (مطهره)
  - 9- یک پرده نازک پشمی

این بود مجموعه جهیزیه زهرا علیها السلام طبق روایت. <sup>(28)</sup>

هنگامی که وسائل فوق را نزد پیامبر ﷺ آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمِ جُلِّ آيَاتِهِمُ الْخَزَفُ <sup>(29)</sup>

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک گردان!

دقت در این اقلام جهیزیه عجیب و تاریخی، و دعائی که پیامبر ﷺ به دنبال آن فرمود، بسیار چیزها به انسان می آموزد. عظمت و شکوهی که در این جهیزیه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرون می دهد، غیرقابل توصیف است.

پیغمبر اکرم ﷺ با این کار می خواهد درسی بزرگ برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمل پرستی

و رقابتهای کمرشکن مادی که مایه صعوبت کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامه جوانان، و آلودگی اجتماع

مسلمین می گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی، صفا و صمیمیت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی تکلف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقی می شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم ﷺ شنیدند که قبلاً ذکر کردیم.

اینها همه هشداری است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم و سائل تجملی جهیزیه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یک بار مورد استفاده قرار نمی گیرد، اصرار دارند، بلکه حتی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حساسیت آمیخته با وسواس نشان می دهند؛ آری هشداری است به همه آنها!

پیامبر اکرم ﷺ با امکاناتی که در آن زمان داشت، می توانست وسائلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی اش علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فراهم سازد، ولی مخصوصاً این کار را نکرد، که اگر می کرد دستور جاویدان: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** ارزش خود را از دست می داد.

عجب این که، گروهی از مسلمانان این سخنان را می شنوند، و بی خیال از کنار آن بسادگی می گذرند، و گاه اسم این بی اعتنائی را ضرورت‌های عصر و زمان می گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است! در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و «توهّمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که:

از خیالی صلحشان و جنگشان      وز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحک تر این که، گاه برای تیمن و تبرک در کنار مهریه های سنگین چند میلیونی، مهریه پانصد درهمی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را نیز ضمیمه می کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیه آن حضرت را برای تأسی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسائل پر زرق و برق و گرانبیای خود قرار می دهند.

این درست به آن می ماند که در کنار سفره ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی (عَلَيْهِ السَّلَام) است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار کودکانه و مسخره است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمل پرست متعصب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی آرایش تری دارند برای سنت شکنی، و درهم کوبیدن آداب و رسوم غلط آماده ترند، آنها باید پیا خیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این سنتهای زشت، و رقابتها و چشم و همچشمی های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اوّل زیربنای زندگی آنها را از اوّل کج می نهند، و بعد از آن تا گنبد دوّار کج می رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و قولا و عملا ثابت نمایند طرفدار مهریه های معقول، جهیزیّه های ساده، و مراسم ازدواج بی تکلف و آمیخته با صمیمیت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علیّ مرتضی (علیه السلام) می باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه (علیها السلام) بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می گیرند، و به وسوسه های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی های در لباس خیرخواهی، توجّهی نمی کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

#### 4. خطبه عقد

مراسم خطبه عقد این مراسم نیز غالباً با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می شود که یا پیروی از یک سنت اسلامی است، مانند خواندن خطبه ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام درباره اهمّیت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می سازد؛ یا تبعیت از یک سنت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجّاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانه ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آئینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسنده نسبت به آن آشناترند، اینها همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی بدبختی و مصیبت آنجا شروع می شود که دعوت شوندگان چنان مسابقه ای با هم در لباسهای تجملی و آرایشهای جلف و زننده، و آویختن انواع زینت آلات به خود، می دهند که گاه عروس در میان آنها گم می شود! و طبیعی است که در چنین جلسه شومی همه در اندیشه خودآرائی و خودنمایی هستند.

وای بر آن وقتی که پای مردان نیز به بهانه های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران و عکّاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت و نافرمانی خدا است عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی دهند!

چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه ای برویم که راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهایی دارند.

از خطبه های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا عَلَيْهَا شروع می کنیم:  
خطبه ای که خدا خواند؛ خطبه ای که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواند؛ و خطبه ای که علی (عَلَيْهِ) خواند که همه معنی دار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

الْحَمْدُ رِدَائِي وَالْعِظْمَةُ كِبْرِيَائِي وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبِيدِي وَإِمَائِي، زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ  
أُمَّتِي مِنْ عَلِيٍّ صَفْوَتِي، إِشْهَدُوا مَلَائِكَتِي

حمد شایسته من است و عظمت به من می برازد، و تمام خلق، بندگان و کنیزان من هستند، من کنیزم «فاطمه» را به همسری «علی» درآوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برترینان را به خاک می مالد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خدا می شمرد، و جمله های بعد، آخرین حد انسان را بندگی خدا می شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه عَلَيْهَا را همین مقام بندگی حق، و افتخار علی (عَلَيْهِ) را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریت را می بندد، و تمامی فرشتگان مقرب را گواه بر آن می گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پر معنی است).

خطبه به این شرح بود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ، النَّافِذِ أَمْرُهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّزَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمَصَاهِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا، وَأَمْرًا مُفْتَرَضًا، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ الزَّمَمَهَا الْأَنَامَ، فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا...

ثُمَّ أَنِّي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ عَلِيِّ أَرْبَعِمِائَةٍ مِثْقَالِ فِضَّةٍ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیت، و به خاطر سلطه و حاکمیتش سزاوار اطاعت، خدائی که عذابش موجب وحشت، و پادشاهی‌اش مایه رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدائی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عزت بخشید، و با پیامبرش محمد گرامی داشت.

سپس خداوند پیمان زناشوئی را هم‌ردیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می‌فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشوئی قرار داد و پروردگار تو توانا است...

سپس من، شما (یارانم) را گواه می‌گیرم که دخترم فاطمه را با مهریه‌ای برابر 400 مثقال نقره به همسری علی درآوردم. (30)

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می‌

دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشویی می کند، به اهمیت مسأله ازدواج پرداخته و آن را به عنوان وسیله ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیّت می پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی (علیه السلام) چنین می خوانیم: که پیامبر ﷺ به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی (علیه السلام) عرضه داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ دَنَا مِنْ سَائِلِيهِ، وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ، وَ أَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ، نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَ آيَادِيهِ، حَمْدٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَ بَارِيهِ، وَ مُمِيتُهُ وَ مُحْيِيهِ، وَ مُسَائِلُهُ عَنْ مُسَاوِيهِ، وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَكْفِيهِ، نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةٌ تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَوَةٌ تُرْلَفُهُ وَ تُحْظِيهِ، وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِيهِ، وَ النِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يُرْضِيهِ، وَ اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ أَدِنَ فِيهِ، وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ زَوْجِنِي ابْنَتُهُ فَاطِمَةَ عَلَى خَمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيْتُ فَاَسْأَلُوهُ وَ اشْهَدُوا (31)

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گهنگاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت هایش حمد می گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می داند، و میراننده و زنده کننده خود می شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش مواخذه می کند.

من از او یاری می طلبم و هدایت می جویم و به او ایمان می آورم و از او کفایت امورم را می خواهم.



و شهادت می دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می رسد، و او را راضی می کند، و نیز گواهی می دهیم که محمد بنده و فرستاده او است، و به او درود می فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده تر سازد.

(اما بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریه ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده ام از او (این مطلب را) جویا شوید و (بر آن) گواهی دهید.

## 5. جشن عروسی

### مراسم عروسی

یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، و در حقیقت دیدنی است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی رویه خود آن شب شادمانی را به عزا مبدل نکنند. این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است.<sup>(32)</sup>

هر کس می تواند با اندکی اندیشه و تأمل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا: اولاً، این مراسم که با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می گیرد، به زندگی مشترک جدید زوجین کاملاً رسمیت می بخشد، و آنها را به قبول مسؤلیت در برابر آن جداً وادار می سازد، چه آنکه اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می شد برای هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهدات خود را زیرپا بگذارند، و با برخورد با اولین مشکلات در زندگی جدید، راه جدائی را پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می گیرد چیز ساده ای نیست که به آسانی بتوانند از آن چشم پوشند، یا به صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشوئی استحکام می بخشد، و به آن رسمیت و عینیت می دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می ماند سبب می شود که آن را به عنوان

یک حادثه مسرت بخش و سرورآفرین در تمام طول عمر، بدانند، و طبعاً بسیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمل کنند، و با خوشبینی به مسائل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می کند که با شرکت در آن، خود را در حل مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهام بدانند، و با توجه به این که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد سهام شدن آنان در حل آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فوائد مهم دیگری.

ولی مشکل از زمانی شروع می شود که این مراسم مفید و با ارزش و شادی آفرین، با تجمل پرستی، و انواع هوی و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، و انواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه کاملاً معکوس خواهد شد.

شبی غم انگیز، با هزینه هائی کمرشکن، و خاطره ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می آورد. و بالاخره شبی که آثار سوء آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می ماند.

آنچه در این زمینه می گوئیم مطالبی است که از دور شنیده ایم، و مسلماً آنها که از نزدیک دیده اند به عمق این فجایع آشناترند که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده های تجمل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت

شدگان، چه اینکه شب مسابقه تجمل و خودآرائی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گرانبه و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها از هفته ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می دهند. بسیاری از بزرگترها چنان خودآرائی می کنند که گوئی فراموش کرده اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقت فرسائی را متحمل شوند، و چه بسا همین مسائل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع رفته است!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان به هم آمیخته شوند چه مفاسد وحشتناکی به بار می آید! مسلماً محیطی به وجود می آید «آماده» و «مملو» برای انواع گناهان، و پر واضح است که این گناهان اثر شوم خود را خواهد بخشید و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود. چیزی که در این گونه مجالس معنی و مفهوم ندارد، یاد خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است.

تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفه و بی درد، و طاغوتهای هر زمان، به خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی حساب «عباسیان» از «بیت المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است. در یکی از این گونه مراسم، خلفای عباسی به جای «نقل» یا «سکه های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می پاشند (و به تعبیر عربها «نثار» می

کنند) ورقه های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی ششدانگ! بود، بر سر عروسشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را ربود مالک یک آبادی شد (و طبعاً کسانی که در آن مجالس راه داشتند همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه نشین بودند).

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه و بی نظیر چه گذشت. یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام عَلَيْهَا با علی (عَلِيٍّ) گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به محضرش شرفیاب شدند، «امّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به شوق می آورد شروع کرد و گفت:

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» عَلَيْهَا روشن می شد،

سپس افزود:

علی (عَلِيٍّ) خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن...

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید،

«امّ ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و امّ سلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی (علیه السلام) کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود:

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی (علیه السلام) مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای

این مراسم) تهیه فرمود و خدمت پیامبر ﷺ آورد، پیامبر ﷺ آستین مبارک را

بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی

(علیه السلام) فرمود:

اکنون برو و هرکس را میل داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی (علیه السلام) می گوید:

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیت بود، شرم آمد که گروهی را

دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی قرار گرفتم و صدا زدم

ای مسلمانان! همه شما را به «ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه (علیها السلام) دعوت می

کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر ﷺ آوردند، شرم سراپای مرا فرا

گرفت چرا که جمعیت بسیار زیاد بود و غذا کم!

مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا

کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها به چهار هزار می رسید، و غذا

همچنان برجای مانده بود!

سپس پیامبر ﷺ دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر کرد و برای خانه

همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و

شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر ﷺ به «امّ سلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.  
امّ سلمه می گوید:

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی (علیه السلام) چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

سپس افزود:

ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و برجای باشید تا من بیایم.

علی (علیه السلام) دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل رفت.

چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد. فاطمه

علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:

حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد، پیامبر

صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن

آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در

سینه او ریخت، باز فرمود:

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله  
پر معنی را به پیشگاه خداوند عرضه داشت:

خداوندا! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم  
علی و محبوبترین خلق نزد من است.

خدایا! او را ولیّ خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!

سپس به علی (عَلِيٍّ) تبریک گفت و خارج شد. (33)

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن و پیامهای صریح و  
کنائی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیّتی که بر جزء جزء این مراسم زیبا  
و باشکوه و روحانی حکم فرما بوده، در نظر مجسم کنیم:

- میهمانان، تمام یاران پیامبر ﷺ حاضر در مسجد بودند، یعنی چهار هزار  
نفر!

- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسط خود  
داماد.

- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با  
شکوه.

- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلّوای خرما به عنوان شیرینی.

- تهیه شیرینی با دست خود پیامبر ﷺ صورت گرفت.

- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.

- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر ﷺ و غذا خوردن بی تکلف اصحاب و  
تبریک گفتن و رفتن.

- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر ﷺ.

- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.



- حیا و حجب فوق العاده عروس.

- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر

ﷺ به آن دو عزیز.

- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله ﷺ.

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن

هزینه های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون آمیز و آلوده شدن به انواع گناهان

و بی عفتی ها بپرهیزند.

## سرود شادی!

در آن شب تاریخی زنان پیامبر ﷺ و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«امّ سلمه»، «معاذه» (مادر سعد بن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ      وَمَنْ لَهَا وَجَةٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ  
فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى      بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِأَيِّ الزُّمَرِ  
زَوَّجَكَ اللَّهُ فَتَى فَاضِلًا      أَعْنَى عَلِيًّا خَيْرَ مَنْ فِي الْحَضَرِ  
فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا أَنَهَا      كَرِيمَةً بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ<sup>(34)</sup>

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص [داشته] که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی بهترین مردان جهان.

همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها - که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد - پرمحتوا، آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنوا ساخته بودند.

## بزم شادی کروبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیه و در عالم پائین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می شود که در محفل کروبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده تر و با شکوهتر برپا بود:

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند. نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند. حوریان بهشتی سوره های قرآن زمزمه می کردند... و گوینده ای از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که امروز روز جشن عروسی علی (و زهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها دانه های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت بیارد!

و فرشتگان مأموریت داشتند دسته های گل بهشتی نثار کنند که جبرئیل امین (آن گونه که قبلا گفتیم) یک دسته از این گلها را همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم ﷺ آورد. (35)

آری! محفلی آنچنان پاک و با صفا و روحانی در روی زمین ممکن نیست جدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقربین باشد، که عالم هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ است.

بیایید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

«پایان»

- (1) - وسائل الشیعه؛ جلد 14، صفحه 30، حدیث 3.
- (2) - سوره روم، آیه 21.
- (3) - وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 30، حدیث 1 - این حدیث با سند صحیح از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است.
- (4) - وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 30، حدیث 2.
- (5) - فروع کافی، جلد 2، صفحه 5.
- (6) - فروع کافی، جلد 2، صفحه 10.
- (7) - وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 49، حدیث 7.
- (8) - وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 51، حدیث 1 و 2 و 3.
- (9) - تهذیب، جلد 2، صفحه 226.
- (10) - من لایحضر الفقیه، جلد 2، صفحه 124.
- (11) - اصول کافی، جلد 2، صفحه 450، حدیث 3. کتاب القرآن، باب 9، ترتیل القرآن بالصوت الحسن.
- (12) - بحار الأنوار، جلد 92، صفحه 180، حدیث 13.
- (13) - بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 97، حدیث 6.
- (14) - همان مدرک، صفحه 92، حدیث 3.
- (15) - بحار الانوار، جلد 43، صفحه 136.
- (16) - همان، صفحه 98.
- (17) - بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 98.
- (18) - بحار الانوار، ج 43، صفحه 102 (با تلخیص).
- (19) - همان، صفحه 104.
- (20) - بحار الأنوار، جلد 43، صفحه 93.
- (21) - وسائل الشیعه، جلد 15، صفحه 11، حدیث 12.
- (22) - همان، صفحه 10، حدیث 8.
- (23) - بحار الانوار، جلد 43، صفحه 94.
- (24) - همان، صفحه 104.

- (25) - همان ، صفحه 122.
- (26) - بحارالانوار، جلد 43، صفحه 144.
- (27) - همان ، صفحه 145.
- (28) - بحارالانوار، جلد 43، صفحه 130.
- (29) - همان.
- (30) - بحارالانوار، جلد 42، صفحه 119 - تعبیر به 400 منقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روات باشد وگرنه معروف 500 درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.
- (31) - بحارالانوار، ج 43، صفحه 112.
- (32) - وسائل الشیعه، جلد 14، باب 40 - از ابواب مقدمات النکاح.
- (33) - بحارالانوار، جلد 43، صفحه 95 و 96 (یا تلخیص) .
- (34) - بحارالانوار، جلد 43، صفحه 116.
- (35) - بحارالانوار، جلد 43، صفحه 102.

## فهرست مطالب

4.....	پیشگفتار (برای اولین چاپ این اثر)
8.....	آنچه در این کتاب می خوانید
9.....	یک مشکل بزرگ
12.....	ارزشهای اسلامی در امر ازدواج
18.....	ویژگیهای این خانواده نمونه
21.....	1. خواستگاری عجیب
26.....	عقدی که در آسمانها بسته شد!
27.....	دسته های گل بهشتی!
28.....	هاله حیا!
31.....	2. مهریه
34.....	مهر «بانوی اسلام»
37.....	3. جهیزیه
40.....	جهیزیه دختر گرامی پیامبر ﷺ
45.....	4. خطبه عقد
50.....	5. جشن عروسی
58.....	سرود شادی!
59.....	بزم شادی کروبیان، و نثار عروس!
62.....	فهرست مطالب